



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

## تأثیر رسانه بر تربیت کودک

محمد بندانی<sup>۱</sup>

۱- کارشناسی حقوق

### چکیده:

امروزه رسانه ها باعث شدند آموزش در هر زمان و هر مکان برای افراد جامعه اتفاق بیفتد و فاصله زمانی، مکانی را از میان بردارند. همچنین بسیاری از دانشجویان و دانش آموزان از رسانه ها به عنوان مکمل آموزش خود استفاده می کنند و برای جبران عقب ماندگی های درسی خود به دلیل غیبت های مکرر بدلیل بیماری، مسافت زیاد و... به سراغ رسانه ها می روند. رسانه ها حتی گاهی در قسمت هایی که آموزش رسمی از عهده آن برنیامده است می تواند موثر باشند. پس رسانه ها نقش بسیار مهمی در آموزش دارند. رسانه ها نقش و کارکرد سیاسی مهمی که در جامعه دارند به افکار جهت می دهند و مشارکت مردم را جلب می کنند. در سیاست خارجی با کمک ارائه اطلاعات در ایجاد صلح یا خشونت، در مواقع بحرانی نظیر جنگ و زلزله با جلب مشارکت مردم برای کمک و همکاری، در حفظ یا تضعیف قدرت حکومت ها نقش بسیار مهمی دارند. فرزندان و کودکان ما در دنیایی زندگی میکنند که -تکثر رسانه ای= داریم. این روزها شبکه های اجتماعی به پدیده های مهم و بسیار پرطرفدار در میان تمامی سنین تبدیل شده و حتی کودکان را نیز درگیر خود کرده است. تاثیر فضای مجازی و رسانه های اجتماعی امروزی بر تربیت کودکان گریبانگیر جامعه شده است. کودکان از طریق تلویزیون، درباره خود، زندگی خود، چگونگی رفتار در شرایط گوناگون، و چگونگی برخورد با مشکلات خانوادگی و شخصی، چیزهای زیادی می آموزند و این اجتماعی شدن از طریق تلویزیون با توجه به ویژگی های تلویزیون و کودک، از هر چیزی نافذتر است.

کلمات کلیدی: کودکان، رسانه، آموزش، فضای مجازی، مشارکت



مقدمه :

درجه نفوذ رسانه در جوامع و تاثیرات آن به حدی است که آموزش رسانه، به ضرورتی اجتناب ناپذیر تبدیل شده است. باید تاکید کرد که کودکان و نوجوانان که رسانه و تاثیر پذیری از آن با والدین خود تفاوت کامل دارند. آنها بین «جهان» و «جهان رسانه ای» فرق نمی گذارند و در به کارگیری رسانه بسیار راحتتر از والدین خود عمل می کنند. آموزش رسانه به گفته کومار: « تحلیل اجتماعی- انتقادی رسانه است. بنا بر این هدف اصلی آموزش رسانه ، هوشیار کردن ، اختیار بخشی در مواجهه با رسانه و برنامه ها و محتوای آن است. آموزش رسانه به افراد می آموزند پیام را تفسیر و تولید کنند ، مناسب ترین رسانه را انتخاب کنند و نقش بیشتری در تاثیر پذیری از آنها به عهده گیرند».

به طور کلی سه جنبه سواد رسانه ای عبارتند از:

-ارتقای آگاهی نسبت به الگوی مصرف رسانه ای و یا به عبارت بهتر تعیین میزان و نحوه مصرف محصولات رسانه ای از منابع رسانه ای گوناگون.

-آموزش مهارت های مطالعه یا تماشای انتقادی.

-تجزیه و تحلیل اجتماعی ، سیاسی ، اقتصادی رسانه ها که در نگاه اول قابل مشاهده نیست.

مطابق این دیدگاه آموزش سواد رسانه ای به دانش آموزان ، اهداف متعددی را دنبال می کند که مهمترین آنها عبارتند از:

۱-ایجاد تفکر خلاقانه، انتقادی و موشکافانه در دانش آموزان نسبت به محتوا و عملکرد رسانه ها ۲- شناخت اشکال بصری

ارتباط با استفاده از آن در کنار سایر مهارت های خواندن ، نوشتن ، صحبت کردن و گوش دادن.

۳-حضور رسانه ها در زندگی کودکان.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

رنه اسپتیز به خاطر پژوهش هایش در مورد محرومیت های عاطفی کودکانی که در شبانه روزی ها تربیت میشوند، و تاثیر بد این محرومیت بر رشد عاطفی و شخصیتی کودکان شهرت یافته است . وی میگوید: «دور نگه داشتن کودک در سالهای اول زندگی از موقعیت هایی که احساس نا خوشایندی در وی ایجاد میکنند به هما اندازه زیان آور است که محروم ساختن او از آنچه که خوشایندی و خوشحالی وی را بر می انگیزد . هر دو عامل مذکور در سازندگی دستگاه روانی وی دخالت دارند. به کار نرفتن هر یک از آنها ، یعنی نبود مطلق ناخوشایندی و یا خوشایندی در زندگی کودک ، به اختلال در شخصیت او منجر می شود . رسانه وسیله ای است که این خلا را پر میکند. عصر ارتباطات الکترونیک این امکان را به کودکان و نوجوانان داده است تا از این جعبه جادویی احساس خوشایندی و نا خوشایندی بگیرند

## واژه شناسی و تعریف مفاهیم :

رسانه: رسانه به معنای روش یا ابزار مادی یا فنی تغییر شکل پیام به علامتها است که مناسب انتقال از یک مجرا (کانال) ارتباطی معین میباشد به طور کلی می توان رسانه را به عنوان یک وسیله ارتباطی تعریف کرد. رسانه ها به این معنا، ابزاری هستند که به وسیله آنها ارتباط میسر می شود. امروزه وسایل ارتباط جمعی مصادیق گسترده ای پیدا کرده اند و مانند گذشته فقط به تلویزیون، رادیو، روزنامه، مجله و کتاب منحصر نمی گردد؛ بلکه ماهواره، اینترنت، سینما، تئاتر، فیلم، نوارهای صوتی و تصویری، دیسک ها، سی دی ها، پوستر، عکس، اسلاید، تابلوها، گوشی های موبایل... را نیز شامل می شود

تربیت : یکی از تعاریفی که در علم تعلیم و تربیت درباره تربیت ارائه می شود، شکوفا کردن و به منصف ظهور رساندن استعدادهاست .تربیت فراتر از انتقال علم است؛ تربیت به معنای فراهم کردن امکان شکوفایی استعدادها و به یک معنا از قوه به فعل رسیدن استعدادها است .تعریف خاص دیگری از تربیت وجود دارد که بر اساس مبانی دینی است. در این تعریف تربیت به این معنا نیست که تنها استعدادها بروز کند و به فعلیت برسد، بلکه تربیت یعنی اینکه استعدادها در مسیر و جهت درست نیز

به کار بیفتد



## بررسی تاثیر تلویزیون بر بزهکاری کودکان و نوجوانان

افزایش رسانه های ارتباط جمعی به شکل گسترش انفجاری تلویزیون در دهه ۱۹۵۰ در امریکای شمالی، همانند دیگر قاره ها نبوده است. به طوری که ظرف مدت یک سال، ( ۱۹۵۰ - ۱۹۴۵ ) میزان آن به بیش از یک میلیون دستگاه رسید. سریع تر از جای دیگر تلویزیون در خانه هایی نفوذ کرد که کودکان کم سن و سال در آنها سکونت داشتند. در آمریکا احتمال یافتن تلویزیون در خانوارهای دارای کودک زیر ۱۲ سال دو برابر خانوارهای بدون اولاد بود. تحقیقات متعددی که در آمریکا و انگلستان در مورد تاثیر تلویزیون بر روی بچه ها به عمل آمده میتواند ابتدا این نتیجه را گرفت که تلویزیون مثل سایر وسایل، چون بچه ها را با مسائل و ارزشهای افراد بالغ قرار میدهد، اضطرابهای آنان را در مورد آینده شان و به طور احساس عدم امنیتشان را افزایش میدهد و خیلی زود پیچیدگی، شرایط خانوادگی و اجتماعی و انسانی را بر آنها آشکار میسازد.

امروزه، بسیاری از دارندگان دستگاه گیرنده تحت تاثیر برنامه های تلویزیونی « تلویزیون سالاری » قرار گرفته اند که البته با توجه به علاقه شدید خرد سالان و نوجوانان به بر نامه های تلویزیونی، به زحمت می توان آنها را قانع کرد که به موقع پیش از پایان برنامه های تلویزیونی به خواب روند یا به موقع تکلیف مدرسه خود را آماده کنند.

در دهه اخیر با پیشرفت فرستنده های ویدئویی و تلویزیونی، تهیه کنندگان انواع فیلم ها و برنامه ها را برای مردم ساخته اند. اگر در گذشته تماشاگران فیلم های سینمایی با اختیار فیلم دلخواه خود را انتخاب می نمودند و بعد خانه را بسوی سینما ترک می کردند، ولی امروزه مسئولان و کارگزاران تلویزیون بدون اینکه به اثرات نیک و بد فیلم ها در گروه های سنی و جنسی مختلف توجه کنند، آنها را به خانه هایی که دریچه تلویزیون به روی آنها باز میشود، صادر میکنند و افراد خانواده، زن و مرد، خرد و کلان بدون این که انتخاب داشته باشند، چشم و گوش خود را به این فرستنده می سپارند.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## کودک چگونه از تلویزیون استفاده می کند؟

آمار ارقام مربوط به استفاده کودک از تلویزیون بیانگر این است که در سه سالگی از هر سه کودک یک نفر ، در پنج سالگی از هر پنج کودک چهار نفر و در کلاس اول از هر ده کودک نه نفر تلویزیون تماشا می کنند . در سالهای اول تحصیل ، زمان متوسطی که یک کودک صرف تماشای تلویزیون میکند دو ساعت در روز است . از این سالها به بعد مقدار فوق در کلاسهای ششم و هفتم به اوج سه تا چهار ساعت می رسد و آنگاه به آرامی طی سالهای دبیرستان افول می کند. از نظر تماشای تلویزیون، بین کودکان اختلافهای فردی زیادی وجود دارد . برای مثال کودکان با هوش تر تا حدود سن یازده سالگی از تماشاگران پرو پا قرص تلویزیون به شمار می روند و پس از این سن ، تمایل می یابند که از تلویزیون کنار بکشند و به سمت چالشهای فکری به ظاهر بزرگتر آثار چاپی روی آورند. یک کودک نوجوان معمولی در شانزده سال اول عمر خود همان میزان وقت صرف تماشای تلویزیون میکند که صرف مدرسه میکند.

سلیقه های کودکان ، بیانگر حرکت سریع آنان از به اصطلاح برنامه های کودک به سمت برنامه های وسترن ، حادثه ای ، نمایشهای جنایی ، موسیقی مورد پسند عامه و سایر برنامه های عمدتاً خاص بزرگسالان است. کودکان دلبستگی زیادی به تلویزیون دارند قابل ذکر است که منزلت و اهمیت تلویزیون ، به ویژه در بین کودکان باهوش تر در سالهای بین ۱۳ تا ۱۹ سالگی رو به زوال می گذارد. طی این سنین وسایل ارتباطی چاپی از ارزش والاتری برخوردار می شوند و رادیو ( که عمدتاً یک کانال دوم فراهم کننده موسیقی متن در هنگام خواندن و مطالعه محسوب می شود. ) اهمیت جدیدی می یابد.

## تلویزیون و روابط اجتماعی

وقتی کودک با خانواده یا همسالان خود روابط رضایت بخشی ندارد ، تمایل پیدا می کند که به تلویزیون رو کند و آنجا می تواند برای مدتی تنش خود را کاهش دهد.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

کیفیت روابط کودک با خانواده و گروه همسالان خود تعیین کننده میزان استفاده کودک از تلویزیون می باشد ، در حالی که رفتار کودک به دلیل ناکامی در روابط خانوادگی یا روابط با دوستان از پرخاشگری آکنده است ، احتمالاً در جستجوی محتوای خشونت آمیز تلویزیون است و آن را به یاد می آورد. اگر روابط اجتماعی وی رضایت بخش نباشد احتمال دارد بر اساس خیال پردازی های حاصل از تلویزیون به خیال پردازی رو کند. اگر وی برای پاسخ به نیاز های اجتماعی خویش در جستجوی خشونت برآید، احتمالاً آن خشونت را هنگامی که در زندگی واقعی نیاز به پرخاشگر بودن را حس کند، به یاد می آورد و آن را زنده می کند.

## تاثیرات تلویزیون

تلویزیون نشان داده است که در برانگیختن سلیقه ها بهتر از برانگیختن فعالیت های فکری یا خلاق عمل می کند. یک نگرانی واقعی که در این خصوص وجود دارد این است که ، این بزرگ شدن زود رس و این تصاویر از زندگی بزرگسالان که در دسترس کودکان قرار می گیرد قبل از آن که وی واقعا آمادگی تمیز بین آنها را داشته باشد، ممکن است همراه کننده باشد و شاید کودکان را تا آن میزان که از فرایند رشد وحشت کنند، دلسرد کند.

تقلید از بازیگران فیلم ها، همزیستی و هماهنگی نوجوانان و جوانان را با بزرگسالان دشوار کرده است. تحت تاثیر افکار تلقین شده به وسیله فیلم ها، ناسازگاری اجتماعی بروز می کند. اطفال و نوجوانان از لحاظ تصور و تجسم ذهنی به معیارهایی می گرایند که ساخته و پرداخته جامعه دیگر و هماهنگ با ویژگی آنان است.

اگر جوانان پس از تماشای فیلم های عشقی و شهوت انگیز و تحریک کننده در تالار تاریک سینما دستخوش هیجانات شوند، چون به طور طبیعی ارضا نمی شوند، دچار حالت عصبی می شوند و دائماً با خود و زندگی در جنگ وستیزند. فیلم ها برای اطفال و نوجوانان رویای شیرین می سازند و در نظر آنها مجسم تر و برتر از واقعیت جلوه می کنند. اگر فیلم ها با توجه به عقاید



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

و اعتقادات مذهبی، سنن و آداب و رسوم محلی، سطح فرهنگی، مبانی اخلاقی و مخصوصاً گروه‌های سنی به دقت هدایت نشوند در بروز حالات خطرناک جرایم تاثیر خواهد داشت.

کین برگ، جرم شناس سوئدی می گوید: «ارتباطات جمعی و رسانه های گروهی در تاروپود افراد تلقین پذیر برای ارتکاب جرایم نفوذ می کنند» .

متأسفانه تهیه کنندگان تجاری فیلم های ویدئویی و تلویزیونی به جنبه آموزشی، تربیتی، مذهبی و اخلاقی آنها چندان توجه ندارند و فقط برای حفظ منابع شخصی، فیلم هایی را که هدف تجاری دارند تهیه و به نحو اغراق آمیز در صحنه ها پرخشگری، عصیان، خشونت، قانون شکنی، عیاشی را مجسم می سازند. بزرگسالان به غیر واقعی و تصنعی بودن موضوع فیلم ها واقف هستند اما اطفال و نوجوانان و کسانی که آگاهی و تجربه کافی را ندارند، آنها را واقعیت می پندارند و مظهری از زندگی جدید تصور می کنند. در صورتی که در بیرون از صحنه های تلویزیون و سینما یعنی در جامعه، واقعیت ها به کل متفاوت از موضوع فیلم هاست. امروزه تماشای تلویزیون، بخشی از کارهای روزمره زندگی انسان است و خواه نا خواه پیامدهایی نیز دارد. تحقیقاتی که در کشورهای مختلف دنیا کرده اند، نشان می دهد که تماشای تلویزیون فعالیت عمده در زندگی انسانها به شمار می رود و تاثیر اجتناب ناپذیری در تمامی گروه های سنی به ویژه کودکان و نوجوانان بر جای میگذارد. بنابراین رعایت تناسب محتوی برنامه های تلویزیونی با ظرفیت ها و ویژگیهای ادراکی و روانی مخاطبان و تلقی واقع بینانه از آنها برای تامین « بهداشت روانی » و « تعادل شخصیت » نونهالان ضروری به نظر می رسد. بدیهی است که بعضی از برنامه هایی که از شبکه تلویزیونی پخش می شوند، برای گروه های سنی کودک و نوجوان مناسب نیستند و تماشای آنها پیامد های نامطلوبی دارد؛ چون تعدادی از برنامه ها فقط با هدف جذب مخاطب تهیه می شوند و در آنها دیدگاه کارشناسانه لحاظ نمی شود. در این جا است که نقش عوامل باز دارنده و نظارتی مطرح میشود. پدر و مادر از جمله نیروهای بالقوه نظارتی هستند که میتوانند نقش بسزایی داشته باشند.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

کودکان در خردسالی به طور کامل و واضح نمی توانند بین واقعیت و خیال مرزی قائل شوند ، ممکن است هر آنچه در تلویزیون می بینند واقعی بپندارند. بنابراین چنانچه شاهد برنامه های با محتوای ناخوشایند باشند، به احتمال زیاد تاثیر زبانباری بر الگوهای فکری، هیجانی و رفتاری آنها خواهند داشت. از این رو باید به پدر و مادر آموزش داد که از فرزندانشان بخواهند آنچه را که در برنامه های تلویزیونی می بینند با اتفاقات واقعی مقایسه کنند. آنان باید به کودکان تفهیم کنند که تلویزیون در واقع مانند یک داستان گو است که داستانهای آن ساختگی است . آنان میتوانند به زبانهای ساده به کودکان تفهیم کنند که چگونه از جنبه های فناورانه مانند موزیک و نورپردازی، برای تحت تاثیر قرار دادن هیجان ها و عواطف مخاطبان بهره برداری می شود.

به نظر فلاسفه، « پالایش درونی » یا « تخلیه هیجانی » عبارت از واکنشی است که انسان در رویارویی نا برابر با سرنوشت خود نشان می دهد. روانکاوان ، پالایش درونی یا تخلیه هیجانی را چنین تعریف میکنند: « واکنش آزاد سازی نیروی روانی با یادآوری هیجانهای سرکوب شده یا تعارض های حل نشده و زیان آور برای بهداشت روانی . » نقش پالایش تلویزیون در تماشای فیلم های تخیلی و ماجرا جویانه مانند جنگ ستارگان ، استاتوتیک و ... مهم است . این فیلم ها طوری ساخته شده اند که ، با زندگی معمولی و عادی مردم مناسبتی ندارند. روانشناسان در پاسخ به این سوال که چرا این گونه فیلم ها با این همه استقبال روبرو میشوند، میگویند: « فیلم های تخیلی ، نقش پالایش روانی دارند بدین صورت که اضطرابها و تنش های زندگی تمام نشدنی است و انسان همیشه با ناکامی و اضطرابهایی روبرو روست . » فیلم های تخیلی به انسان اجازه می دهند که به طور موقت بر اضطرابها و ضعف های خود پیروز شوند و از طرف دیگر بینندگان این فیلم ها از اینکه این بلا ها بر سر آنها نیامده خوشحال می شوند . همچنین بینندگان در تصوراتشان خود را با قهرمانانی که با ناکامی ها ، دشواریها و ناملایمات روبرو می شوند همانند سازی می کنند ، خود را به جای آنها می گذارند و بر مشکلات پیروز می شوند.





# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## آیا تلویزیون خشونت را یاد میدهد و موجب بزهکاری میشود؟

برخی از کودکان قوانین جهان خیال را با قوانین جهان واقعیت اشتباه می گیرند ، کودکانی که هنگام تماشای تلویزیون پرخاشگری میکنند به احتمال زیاد اعمال پرخاشگرانه بر نامه های تلویزیونی را به یاد می آورند. بزهکاری رفتاری پیچیده است که معمولا رشد آن منبعت از چندین ریشه است . عمده ترین این ریشه ها معمولا وجود نوعی فقدان بزرگ در زندگی کودک است که اغلب عبارت است از: خانواده از هم پاشیده ، یا نوعی احساس مورد پذیرش واقع نشدن از طرف والدین یا گروه همسالان کودک. تلویزیون حداکثر یک علت جانبی است.

داستانهای خشونت آمیز وحشتناک ، مسائلی چون مناقشه ، قدرت و همبستگی بشری را مطرح میسازند . خشونت و وحشت جزئی از اسطوره ، ادبیات و دیگر ابعاد فرهنگی محسوب میشوند. رسانه های گروهی ، وحشت و خشونت را ساده سازی و استاندارد کرده ، سپس آنها را به عنوان بخشی از آداب و سنن روز مره وارد زندگی بسیاری از خانواده ها میکنند. قرار گرفتن در معرض وحشت و خشونت از خردسالی آغاز و در طول زندگی ادامه میابد. فرهنگ جدید از صحنه های خشونت و وحشت تولید شده توسط رسانه ها اشباع شده است . و این امری است که گریز ناپذیر به نظر میرسد.

مطالعات انجام شده در زمینه قرار داشتن در معرض خشونت رسانه ای نشان می دهد که در این زمینه مسائل دیگری نیز مثل رواج خشونت و وحشت در محتوای رسانه های مختلف ، موقعیت های اجتماعی - اقتصادی ، جنسیت و برخی از الگوهای گزینشی موثر هستند.

با توجه به میزان تاثیر گذاری رسانه بر شخصیت و رفتار کودکان و نوجوانان ، روانشناسان و پژوهشگران مسائل تربیتی پیشنهادهایی برای کاستن از مضرات و خطرات آن ارائه داده اند:

۱- خانواده ها در درجه اول باید نقش فعالی در کمک به کودکان در فهم و درک آنچه در تلویزیون می بینند ، داشته باشند.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

- ۲- پدر و مادر باید به کودکان خود این حقیقت را یاد بدهند که مضامین داستانه‌ها و فیلمها و برنامه های تلویزیون واقعیت ندارد و هر آنچه که در صفحه تلویزیون مشاهده می کنند ، واقعی نپندارند و آن را با واقعیت بسنجند.
- ۳- محدود کردن ساعت هایی که کودکان برنامه های تلویزیونی مشاهده می کنند.
- ۴- سازندگان برنامه های رسانه های تصویری از قبیل رایانه ، تلویزیون و... باید در ساختن برنامه های خود از متخصصان اهل فن ، روانشناسان ، جامعه شناسان، کارشناسان علوم تربیتی و... کمک بگیرند. مثلاً «مدرسه موش ها» در ایران ساخته شده است که در عین داشتن جاذبه، جنبه آموزشی دارد و عاری از جنبه های خشونت آمیز است.
- ۵- مسئولان رسانه های تصویری می توانند بعضی از برنامه های مفید علمی، تربیتی ، اجتماعی و آموزشی برای کودکان و نوجوانان را از سایر کشورها خریداری کنند، به طوری که منطبق با فرهنگ کشور باشد.
- آثار اجتماعی و فرهنگی رسانه ها آثار اجتماعی رسانه به حدی ملموس و عینی است که به ندرت کسی از اهمیت آن غفلت می کند. به عبارت دیگر، به دلیل آثار اجتماعی بالای آن به عنوان مهمترین ابزار کنترل اجتماعی نیز مطرح است. ری در تحقیقی که توسط همکاران خود در هند انجام داده، به این نتیجه رسیده است که رادیو، تلویزیون، فیلم ها، بازیهای ویدئویی، تلفن های همراه، و شبکه های کامپیوتری نقش محوری را در زندگی روزانه کودکان ما گرفته است. رسانه ها آثار بالقوه عمیق، مثبت و منفی بر روی توسعه شناختی، اجتماعی و رفتاری کودکان نشان داده اند. اگر چه رسانه ها نقش راهبردی مهمی در جامعه دارند و ابزار مهمی برای هدایت افکار عمومی تلقی می شوند؛ لیکن وجود تلویزیون در یک جامعه، مشارکت در فعالیت های جمعی را کاهش می دهد، به طور مثال، درون یک خانواده، وقتی تلویزیون روشن است، صحبت ها و گفت وگوها کاهش می یابند. به نظر می رسد که بچه ها باورهایی یکسان و مشابه نسبت به چارچوب فرهنگی جهان داشته باشند. تلویزیون ها نقش مهمی در شکل گیری تخیل آنها ایفا می کنند. کودکان از رسانه ها بخصوص تلویزیون استفاده می کنند. مهم این است که نه تنها محدودیتی برای استفاده از آن در جاهای مختلف نیست، بلکه می توان اثر تعاملی تلویزیون را



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

به گونه ها و انواع گوناگون دید. در بررسی دیگری این مهم مشخص می شود که تبلیغات تلویزیونی تأثیر مستقیم روی نگرش کودکان دارد. تبلیغات تلویزیونی کودکان را به مصرف گرایشی بیشتر در نتیجه فشار بیشتر بر والدین ترغیب نموده است تا خواسته‌های آنان را برای خرید آنچه‌آنان دیدند تمایل یافتند، تحقق بخشند. نتیجه‌این تأثیر روی کودکان ناامیدی و نارضایتی از زندگی در کودکان و کاهش ارتباط آنان با والدین شان بوده است

## اهمیت تربیتی رسانه‌ها:

رسانه‌ها، به سبب ویژگی‌های ممتازی که نسبت به سایر عوامل تأثیر گذار در فرایند تربیت انسان دارند، دارای اهمیت چشمگیری هستند. قدرت رسانه‌ها نسبت به سایر عوامل تأثیر گذار در فرایند تربیت انسان، آن قدر مهم است که برخی معتقدند رسانه‌ها قادرند نسل جدیدی در تاریخ انسان به وجود آورند، نسلی که از لحاظ رفتار و افکار و نحوه تعامل با دیگران، با نسل‌های پیشین تفاوت داشته باشند. مارشال مک لوهان، یکی از مشهورترین جامعه‌شناسان کانادایی و از بزرگ‌ترین متخصصان مسئله ارتباطات جمعی، چنان اهمیتی برای وسایل ارتباط جمعی قایل است که آن را حتی مهم‌تر از اندیشه دینی یعنی محتوای این ارتباط می‌داند. بدون شکرسانه‌ها نقش بسیار مهمی در تربیت کودکان و همچنین بزرگسالان ایفا می‌کنند، چرا که بخش زیادی از زندگی افراد جامعه، در کنار این وسایل سرشار از اطلاعات و داده‌ها سپری می‌شود. وسایل ارتباط جمعی، تمام جهات و ابعاد زندگی انسان‌ها را پوشش می‌دهد. همه جا و به همه صورت، پیام وسایل ارتباط جمعی شنیده می‌شود. این وسایل، اعم از مکتوب (مثل روزنامه‌ها و مجلات) و غیرمکتوب (مثل رادیو و تلویزیون) بزرگترین سهم را در راه انتقال میراث فرهنگی و فکری و تربیت افراد جامعه به عهده دارند

## نقش رسانه‌ها در تربیت دینی

تربیت دینی یک معنا و اصطلاح خاص دارد که در این اصطلاح در بین هم‌هابعد تربیتی، به رشد معنوی و اعتقادی توجه می‌شود و بدین وسیله سایر ابعاد تربیتی و حتی ابعادی همچون بعد اخلاقی از بحث خارج می‌شود. مقصود از تربیت دینی، در این مقاله



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

تربیت دینی به معنای عام آن است که مساوی با تربیت اسلامی میشود و تربیت دینی به این معنی، یعنی حضور قرآن و سیره معصومین(ع) در متن زندگی جامعه و مردم. این معنی شامل همه ابعاد تربیتی در یک بستر دینی شده و میتوان آن را با تربیت اسلامی مترادف دانست. مراد این است که کودک، نوجوان یا جوان مسلمان بهگونهای آموزش ببیند و تربیت شود که بالمآل شخصیت او با اهداف دینی مطرح شده در قرآن و روایات همگونی داشته باشد و نهایتاً آنگونه شود که بتوان او را مسلمان به معنای واقعی کلمه دانست. در این اصطلاح، تربیت دینی محدود به مسائل اعتقادی، معنوی و یا اخلاقی نمی شود، بلکه رفتار و اندیشه آدمی را در سایر ابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، عاطفی و هیجانی نیز در بر میگیرد. درعصر و زمان حاضر نیز به رغم برخی دیدگاه های انتقادی، دین چه بهعنوان بخشی از یک فرهنگ و نهاد اجتماعی و رسانه بهمثابه یک امر وجودی به هم آمیخته اند. در دهه های اخیر توجه به رسانه ها در میان ادیان عمومیت یافته است. رسانه های اجتماعی از اهمیت بالایی در زمینه تربیت دینی برخوردار شده اند، زیرا مطالعات متعددی درباره رابطه بین تربیت دینی و رسانه های اجتماعی صحبت می کنند

تلویزیون به عنوان یک رسانه ی دیداری می تواند تاثیرات مخرب و منفی روی نوجوانان و جوانان داشته باشد، ذهن آنها را به خود مشغول کند و اختیار را از آنها سلب کرده، نا خودآگاه در نوجوانان ایجاد وابستگی نماید، آنها را در مقابل پدر و مادر قرار بدهد، آنها را بسبب به درس و مدرسه بی رغبت کند و آنها را انفعالی به بار بیاورد. از طرف دیگر، تلویزیون می تواند به عنوان یک الگوی مثبت، اطلاعات خیلی مفید در اختیار نوجوانان و جوانان قرا دهد، به طوری که از برنامه های آموزشی، فیلم های آموزنده، سریال های متنوع و ده ها برنامه ی دیگر آن استفاده نمایند. تاثیر پذیری از دو حالت ذکر شده به نوع نگرش و اهداف بستگی دارد. نوجوانان همان طور که غذای خود را کنترل می کنند و غذا برای آنها هدف نیست، بلکه وسیله ای برای ادامه ی زندگی است، آنها باید همان دیدگاه را نسبت به تلویزیون داشته باشند، یعنی به تلویزیون نگاه نکنند، ولی همه نوع برنامه ها را نبینند و به تلویزیون به عنوان یک هدف نگاه نکنند.



## اثرات مثبت رسانه بر تربیت فرزندان

### ۱، کمک به رشد آگاهی

امروزه نوجوانان با حجم زیاد اطلاعات توسط رسانه‌ها، می‌توانند آگاهی خود نسبت به اجتماع و جهان را افزایش دهند. کسب آگاهی‌های فرهنگی و سیاسی توسط نوجوانان برای داشتن نسلی از شهروندان مسئولیت پذیر در آینده حیاتی است. نوجوانان به وسیله ارتباط با اخبار، مجلات و شبکه‌های اجتماعی، متوجه می‌شوند که جهان چیزی بیشتر از آن است که در اطراف خود می‌بینند.

### ۲، کمک به رشد مهارت‌های اجتماعی

اکثر نوجوانان از نظر اجتماعی مهارت‌های کافی ندارند. رسانه می‌تواند به آن‌ها شانس رشد مهارت‌های اجتماعی، گسترش دایره روابط اجتماعی و رشد دوستی‌های جدید را بدهد. رسانه‌ها، اعتماد و حمایت اجتماعی نوجوان را رشد می‌دهد و آن‌ها را به حرکت موفق در مسیر جامعه مدرن راهنمایی می‌کند.

### ۳، الهام بخشی

تماشای فیلم‌های اکشن و رزمی، می‌تواند والدین را از جنبه خشن آن نگران کند، اما حتی چنین برنامه‌هایی در واقع با راهنمایی‌های درست، انگیزه ای برای رفتن در مسیر ورزش‌های رزمی یا فعالیت‌های پلیسی می‌تواند باشد. همانطور که بروس-لی نوجوانان زیادی را به سمت آموزش هنرهای رزمی کشاند. تاثیر گذاری صحبت‌ها و رفتارهای افراد مشهور یا مشاهیر مورد علاقه نوجوان از طریق رسانه است، صحبت‌هایی از قبیل مصرف نکردن مواد مخدر یا ترک سیگار توسط آن‌ها، می‌تواند از سمت نوجوانان به راحتی پذیرفته شود.



## ۴) کمک به مهارت‌های هماهنگی حرکتی

برخی بازی‌های ویدئویی ممکن است، موجب تحلیل توانایی‌های حرکتی در نوجوانان بشود. اما بازی‌هایی هم هستند که به تقویت مهارت‌های حرکتی، هماهنگی عصب و عضله و بعضی از توانایی‌های ذهنی کمک کند.

## ۵) کمک به رشد مهارت‌های خواندن و نوشتن

وقتی یک سخنران یا الگوی نوجوان، خواندن کتابی را پیشنهاد می‌دهد، حتمال تمایل به خواندن آن کتاب توسط نوجوان بیشتر می‌شود. همچنین وبلاگ‌ها، سایت‌ها و شبکه‌های ارتباط مجازی می‌تواند در افزایش دایره لغات و مهارت‌های نوشتاری نوجوان تاثیر مثبت بگذارد.

## ۶) پر کردن اوقات فراغت کودکان و نوجوانان

رسانه‌ها این امکان را برای کودکان و نوجوانان فراهم می‌سازد تا در اوقات فراغت خود به بازی مشغول شوند و یا با دوستان خود به صحبت و چت بپردازند. مسئله‌ای که در این میان اهمیت دارد، کنترل و نظارت والدین و قانون‌گذاری برای فرزندان در مورد استفاده از این فضاها است.

## اثرات منفی رسانه بر تربیت فرزندان

### ۱) تخریب تصویر بدنی

امروزه جهان و رسانه‌ها پر از چهره‌های شفاف و اندام‌های زیباست. در حالی که بسیاری از این تصاویر با استفاده از نرم افزارهای فتوشاپ و جراحی‌های زیبایی صورت گرفته است. بنابراین تقریباً رسیدن به استاندارد زیبایی که در رسانه‌ها نمایش داده می‌شود، غیر ممکن می‌گردد. این عوامل باعث تخریب قضاوت نوجوان از ویژگی‌های ظاهری خود می‌شود. بی‌اشتهایی عصبی و پر‌اشتهایی عصبی از این بحران به وجود می‌آید.



## ۲، عادی سازی خشونت

امروزه میزان خشونت در بازی‌های ویدئویی و فیلم‌ها بسیار زیاد شده و نوجوانان وقت زیادی را با آن‌ها می‌گذرانند. خشونت به مرور زمان واقعی می‌شود و خیلی از نوجوانان توانایی تمایز بین فانتزی و واقعیت را ندارند. در نتیجه رفتارهای خشونت آمیز برای آن‌ها معمولی به نظر می‌رسد که تبعات خاص خود را دارد.

## ۳، رفتار جنسی پر خطر

نوجوانان شدیداً در حال جستجو برای کشف هویت جنسی خود هستند. گرایش نوجوانان به هر چیزی که محتوای جنسی دارند امری طبیعی است. نمایش تعدد روابط جنسی در رسانه‌ها باعث گیج شدن نوجوانان می‌شود. رابطه جنسی بدون مسئولیت، پیامد این خط فکری ایست که در نوجوانان به وجود آمده و نتایج آن رفتار جنسی پر خطر و بارداری‌های ناخواسته، می‌شود.

## ۴، تجاری سازی همه چیز

اینکه پول شادی می‌آورد تفکری است که توسط رسانه‌ها در نوجوان ایجاد می‌شود. رسانه تلاش می‌کند تا افزایش درآمد را برای نوجوان هدف قرار دهد اما نوجوان به دنبال خوشحالی با به دست آوردن پول است.

## ۵، چاقی و افزایش وزن

یکی از علل چاقی مفرط نوجوانان گذراندن بیش از حد وقت خود بر پای بازی‌های کامپیوتری است. این درحالی است که بازی در فضاهای باز به ندرت یافت می‌شود. به علاوه همراهی این عادات با رژیم غذایی نامناسب باعث بروز یک چاقی شایع در این دوران می‌شود.



## ۶۰ افت تحصیلی

گرفتن نمرات پایین و افت تحصیلی یکی دیگر از اثرات منفی وقت گذرانی زیاد پای تلویزیون است. بر همین اساس، کودکان و نوجوانانی که نمره‌های بالاتری در مدرسه کسب می‌کنند، وقت کمتری را صرف رسانه‌ها کرده‌اند.

در صورتی که رسانه، آنچنان بر زندگی کودک احاطه داشته باشد که او را از سایر فعالیتهای اجتماعی، مانند بازی با هم سن و سالان دور سازد، کودک در فضایی مجازی رشد و زندگی میکند که با زندگی واقعی بسیار فاصله دارد و سبب میشود در آینده، کودک از حیث تطبیق پذیری با جامعه دچار مشکل شود. احاطه تلویزیون و کامپیوتر ممکن است باعث سردی روابط اجتماعی کودکان با والدین و هم سن و سالان نیز شود و این کم‌رنگ بودن سطح اجتماعی، پایین آمدن مهارتهای اجتماعی را سبب میشود. گسترش فضای مجازی در حوزه رابطه فرزندان و والدین نیز تغییراتی به وجود آورده است که از جمله آن به کاهش نقش خانواده به عنوان مرجع، کاهش ارتباط والدین با فرزند، شکاف نسلی به دلیل رشد فناوری، از بین رفتن حریم بین فرزندان و والدین و ایستادن در برابر یکی از والدین یا هر دو را میتوان نام برد. یکی از زمینه‌های اصلی در بروز مشکلات خانوادگی و اصولاً نارضایتی از زندگی مشترک، فضای مجازی است که تحت‌تأثیر تولیدات رسانه‌ای به وجود آمده و باعث شده تا سطح توقع از زندگیهای مشترک را به ویژه در میان نسل جوان بالا ببرد.





# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

منابع :

-گیل، دیوید؛ ادامز، بریجت؛ ۱۳۸۴، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها

- لغت نامه دهخدا

-احسانی، حمیده ۱۳۹۶ نقش و تأثیر رسانه در تربیت اجتماعی و دینی کودکان، نوجوانان و خانواده. تهران: انتشارات بشری

-ابراهیم زاده، عیسی، ۱۳۸۸، فلسفه تربیت، تهران، دانشگاه پیام نور

- احدیان، محمد، ۱۳۷۴، اصول و مقدمات تکنولوژی آموزشی، انتشارات بشری تهران، ص ۱۲۶

-بیابانگرد، اسماعیل ۱۳۷۷ اثرات تلویزیون بر رشد کودکان نشریه پژوهشهای ارتباطی ۱۵